

مجله مطالعات ایرانی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

بررسی تطبیقی اسطوره میترا در اوستا و وداها*

رؤیا سیفی
کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی دانشگاه بوعلی سینا
بهمن رحیمی
کارشناس ارشد روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی کشور

چکیده

اسطوره، داستان یا سرگذشتی است که متضمن روایت یک آفرینش است. شخصیت‌های آن موجوداتی مافوق طبیعی هستند. میترا، اسطوره‌ای هندی و ایرانی است که جنبه‌های اسطوره‌ای آن در اوستا و وداها آمده است. این خدا مفهوم‌هایی همانند: «معاهده، توافق، میثاق، اتحاد و وعده» را شامل می‌شود و دو ریشه هندی و اروپایی \sqrt{mei} * به معنی «مبادله کردن» و ریشه $\sqrt{mē}$ * به معنی «اندازه گرفتن» برای واژه میترا پیشنهاد شده است. در اوستا، سرود مهر یشت به این ایزد اختصاص دارد. در این یشت مفهوم «اتحاد» برای میترا مناسب تر از مفهوم «پیمان» به نظر می‌رسد. ویژگی‌های مشترک زیادی در متون اوستایی و ودایی دارد. بارزترین ویژگی میترا در اوستا، مهر دارای فراخ چراگاه است. در وداها، میترا در ایزد آتش اگنی متجلی می‌شود. تفاوت بین میترای ودایی و میترای اوستایی در این است که میترای ودایی فاقد ویژگی‌های رزمی است. در وداها ویژگی‌های رزمی به ایندرا، جنگجو تعلق دارد.

واژه‌های کلیدی: اسطوره، میترا، اوستا، وداها.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۴
royagolden@yahoo.com
bahmannic@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۳
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

میترا، ایزدی هند و ایرانی است که کهن ترین متنی که در آن از این ایزد کهن آریایی نام برده شده است، پیمان نامه میان پادشاه هیتی ها^۱ و میتانی ها^۲ مربوط به ۱۳۸۰ پ.م. است که در آن از دو ایزد «میترا-ورونه»^۳ نام برده شده و از ایشان پایداری به این پیمان خواسته شده است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۰۱؛ ورمازن، ۱۳۸۰: ۱۵)؛ سپس در متن های ودایی در حدود ۱۲۰۰ پ.م در اوستای نو، به ویژه در مهر یشت و در کتیبه های پادشاهان هخامنشی از ایزد میترا نام برده شده و ویژگی های او بیان شده است. جنبه جنگاوری میترا، هنگامی که کسی دروغ می گوید و پیمان می شکند، نمودار می شود. در این صورت است که به ایزد جنگاوری مبدل می شود؛ از این رو سربازان قبل از رفتن به جنگ با کشورهایی که با آئین میترا آشنایی نداشتند، سوار بر اسب، نیایش هایی را به درگاه او انجام می دادند که رفته رفته این نیایش ها جنبه آئینی به خود گرفت و زیربنای آئین میتراپرستی در غرب را به وجود آورد (Beck, 2006: 32). این آئین، بعدها در تمام نواحی تحت فرمانروایی روم، در سرزمین اصلی اروپا، شمال آفریقا و بریتانیا گسترش یافت. در این سرزمین ها او با نام «میتراس» پرستیده می شد. جنبه های اسطوره ای این ایزد در این مقاله در اوستا و وداها به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱- پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش مربوط به آئین میتراپرستی، متعلق به فرانتس کومون^۴ در سال ۱۹۰۳ با عنوان «آئین پررمز و راز میترای» است. به دلیل تألیف این کتاب، به او لقب پدر میتراپژوهی مدرن داده اند. این کتاب به وسیله هاشم رضی در سال ۱۳۷۹ به فارسی برگردانده شده است؛ سپس پژوهش دیگری در مورد اسطوره میترا متعلق به میه^۵ با عنوان «میترا، ایزد هند و ایرانی» است که در سال ۱۹۰۷ منتشر شده که در آن میه علاوه بر بررسی اسطوره ای این ایزد در متن های کهن ایرانی و هندی، مباحثی را نیز پیرامون ریشه شناختی واژه «میترا» آورده است. لومل^۶ در ۱۹۲۷ در کتاب خویش که یشت های اوستا را بررسی کرده به ترجمه و تفسیر مهر یشت نیز پرداخته است. وی در سال ۱۹۴۴ نیز، مقاله «میترا و قربانی کردن گاو نر» را که بیشتر در زمینه آئین میترا پرستی است منتشر کرد. بویس^۷ از زمره ایران شناسانی

است که مطالب بسیاری در مورد ایزد میترا نوشته است. او در سال ۱۹۶۹ در مقاله‌ای با عنوان «سهم میترا در دین زرتشتی» ویژگی‌ها و خصوصیات این ایزد را ذکر می‌کند و نقش او را در دین زرتشتی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ همچنین بویس در کتاب سه‌جلدی «تاریخ زرتشتی‌گری» که در میان سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ نوشته، به معرفی این ایزد پرداخته و نقش و خویشکاری‌های او را در دین زرتشتی برشمرده است. در مقاله‌ای دیگر که در یادنامه ساموئل نیبرگ^۸ در ۱۹۷۵ منتشر شده، میترا را با عنوان ایزد آتش توصیف کرده است. وی همچنین در نوشته دیگری در سال ۱۹۹۹ این موضوع را مطرح می‌کند که میترا سرور سرزمین‌ها است و اهورا^۹ را برادر او معرفی می‌کند. عنوان مقاله دیگری که بویس در مورد ایزد میترا در یادنامه هومباخ^{۱۰} در سال ۲۰۰۱ نگاشته «میترا سرور، ورونه مهتر» است که به موضوع همراهی و همکاری این دو ایزد پرداخته است. گرشویچ^{۱۱} در ۱۹۵۹، مهر یشت اوستا را در کتابی با همین عنوان بررسی کرده و توضیحاتی در مورد میترا ارائه می‌دهد. نولی^{۱۲} در مقاله‌ای، میترا را در منابع هندی باستان مورد بررسی قرار می‌دهد و مفهوم دوستی را برای او در نظر می‌گیرد. این دانشمند ایران‌شناس، همچنین در ۱۹۷۹ مقاله «میترا، خورشید پارسی» را منتشر کرده و با توجه به استدلال‌هایی بیان می‌دارد که میترا همان خورشید است که همراه او طلوع می‌کند، سراسر زمین را در طول روز طی می‌کند و سپس غروب می‌کند. دوشن-گیمن^{۱۳} در ۱۹۷۸ «مطالعات میترای» را با اشاره به پیشینه این ایزد در آئین هند و ایرانی و سپس گسترش میتراپرستی در روم و دیگر سرزمین‌های تحت استیلای امپراتوری روم به رشته تحریر درآورده است. این اثر به وسیله احمد آجودانی در سال ۱۳۸۶ به فارسی برگردانده شده است. گوندا^{۱۴} در ۱۹۷۹، کتاب «میترای ودایی» را منتشر کرده و در آن به تبیین ویژگی‌های این ایزد در متون ودایی و جایگاه آن در میان ایزدان دیگر و ارتباط او با آن ایزدان همانند ایزد ورونه، اپام نیات^{۱۵}، آدیتیه‌ها^{۱۶} و غیره می‌پردازد. کلنز^{۱۷}، ایران‌شناس فرانسوی در مقاله‌ای در سال ۱۹۷۸، ویژگی‌های متمایز میترا را در مهر یشت اوستا برشمرده است. مقاله دیگری در ۱۹۷۹ به وسیله وی درباره ایزدان یاور میترا منتشر شده است و در ۱۹۹۴ در نوشتاری عملکرد میترا و دننا^{۱۸} را بررسی کرده است. زنر^{۱۹} در

۱۹۶۲ در اثر بی نظیر خویش «مطالعه تطبیقی ادیان» به اسطوره میترا و آئین‌های مربوط به او پرداخته است. لنتس^{۲۰} در ۱۹۶۴ در مقاله «میترا قدرت حاکمیت را در اختیار دارد»، مقام بلند پایه میترا را با توجه به دارا بودن لقب اهورا در میان ایزدان دیگر هند و ایرانی به چالش کشیده است و در مقاله دیگری در ۱۹۷۰، نقش اجتماعی میترای ایران باستان را شرح داده است. مرکلباخ^{۲۱} دانشمند آلمانی در ۱۹۸۴، کتابی به تفصیل در مورد میترا نگاشته است. این اثر اشاره‌ای به خصوصیات و ویژگی‌های ایزد میترا در آئین هندی و ایرانی دارد و سپس خاستگاه آئین میترا پرستی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. تیمه^{۲۲} از هندشناسانی است که چهار مقاله در زمینه اسطوره میترا در منابع هندی و منابع ایرانی در طی سال‌های ۱۹۵۷-۱۹۷۸ به نگارش درآورده است. ورمازرن^{۲۳} در سال ۱۹۷۷، مقاله «میتراس، خدای پر رمز و راز رومی» را منتشر کرده است. اشمیت^{۲۴} نوشتار «مطالعات میترای هند و ایرانی» را در ۱۹۷۸ نوشته است. وی همچنین مدخل «میترا» در دانشنامه ایرانیکا را تألیف کرده که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است. اولانسی^{۲۵} در ۱۹۹۱، پژوهشی را با عنوان «پیدایش رازهای میترای، کیهان‌شناسی و رستگاری در جهان باستان» تألیف کرده و بیشتر به آئین میترا پرستی پرداخته است. این کتاب به وسیله مریم امینی در سال ۱۳۸۰ به فارسی برگردانده شده است. از جدیدترین پژوهش‌ها می‌توان اثر بک^{۲۶} «آئین فرقه میترا در امپراتوری روم» را نام برد که در سال ۲۰۰۶ انتشار یافته است. در ایران، محمد مقدم در ۱۳۵۷ اثری با عنوان «جستار درباره مهر و ناهید» را منتشر ساخت. وی در این اثر بر آن است که هیچ ارتباطی بین ایزد مهر و آئین مهر وجود ندارد این کتاب در سال ۱۳۸۰ به وسیله انتشارات هیرمند دوباره انتشار یافته است. برگردان فارسی شش مقاله از مقاله‌هایی که در بالا اشاره کردیم در مجموعه مقالاتی با عنوان «مهر در ایران و هند باستان» با ویراستاری بابک عالیخانی منتشر شده است. همان گونه که ذکر شد منابع بسیاری در زمینه اسطوره میترا به رشته تحریر درآمده است؛ اما هیچ کدام از این منابع به صورت مستقل، اسطوره میترا در اوستا و وداها را به گونه‌ای که تفاوت‌ها و شباهت‌های این ایزد در این دو متون مقدس آشکار و روشن باشد، مورد بررسی قرار نداده است؛ بنابراین لازم بود که

پژوهشی مجزا و مستقل برای بررسی تطبیقی ایزد میترا انجام شود تا افق‌های جدیدی در حوزه مطالعات اسطوره‌شناسی تطبیقی ایرانی و هندی در پیشروی پژوهشگران قرار گیرد.

۱-۲- اهداف پژوهش

هدف این نوشتار، بررسی اسطوره میترا در متون ودایی و اوستایی است. همان گونه که گفته شد میترا ایزدی هند و ایرانی است. با توجه به پیمان نامه‌ای که نام میترا در آن ذکر شده، آشکار است که این ایزد همراه با ورونه در آن دوران، ایزد مهمی محسوب می‌شده و نگهداری پیمان‌ها وظیفه آن دو بوده است؛ اما پس از جدایی اقوام هند و ایرانی و مهاجرت گروهی از آنها به سمت دره سند، که نیاکان هندوان امروزی بودند و مهاجرت شمار دیگر به سمت سرزمین امروزی ایران که بعدها نام خود را به سرزمین ایران دادند (Mallory & Adams, 2008: 241)، باعث شد اسطوره میترا در دو جامعه متفاوت رشد کند؛ زیرا هنگامی که این اقوام در سرزمین‌های مقصد ساکن شدند از فرهنگ بومی ساکنان آن سرزمین‌ها تأثیر پذیرفتند؛ بنابراین رفته‌رفته فرهنگ‌شان از هم فاصله گرفت. ایزد میترا هم که در بطن این دو اجتماع مجزا پرستیده می‌شد، تحول متفاوتی را از سر گذراند و از آن جهت که دانش اسطوره‌شناسی در شناسایی تاریخ تمدن، روشن ساختن گوشه‌های تاریک ساخت اجتماعی کهن و پی بردن به شیوه تفکر مردمان دوران باستان بسیار مفید است (الیاده، ۱۳۹۰: ۴۸)؛ پس بررسی اسطوره میترا و جنبه‌های دینی آن می‌تواند در روشن ساختن برخی از واقعیت‌هایی که در حاله‌ای از ابهام قرار دارند، برای تاریخ‌دانان و دیگر دانشمندان که در حوزه‌های مختلف جوامع باستانی تحقیق می‌کنند کمک شایانی باشد.

۱-۳- روش پژوهش

روش انجام این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی-توصیفی است که نخست با بهره‌گیری از مطالعات انجام شده، متون ودایی و اوستایی که در آن ویژگی‌ها و خویش‌کاری‌های ایزد میترا وصف شده و حتی متونی که در آن تنها اشاره‌ای به او شده، مورد مطالعه قرار گرفت؛ سپس ویژگی‌های مشترک و تفاوت و تمایزهای میترای اوستایی و ودایی از متن‌های ودایی و اوستایی استخراج و

جمع آوری شد و با استفاده از نوشته‌ها و پژوهش‌های پیشینیان، یافته‌ها و نتایج پژوهش مورد استناد قرار گرفت.

۱-۴- سوالات پژوهش

- ۱- میترای اوستایی با میترای ودایی چه تفاوت‌هایی دارد؟
- ۲- ویژگی‌های مشترک میترای ودایی و میترای اوستایی کدامند؟
- ۳- آیا میترا همان خورشید است یا با او تفاوت دارد؟
- ۴- بن‌مایه و هویت اصلی میترا در منابع هندی بیشتر حفظ شده یا در منابع ایرانی؟

۲- بحث

۲-۱- پیرامون نام میترا

ایزد هند و ایرانی میترا (در وداها: -Mitrá، اوستا: -Miθra و در فارسی باستان: -Miθra یا -Mitra، که به احتمال قوی وام‌واژه‌ای از زبان مادی است؛ البته صورت واقعی واژه در فارسی باستان باید -Miça* می‌آمد). در فارسی میانه: Mihr و در فارسی نو: «مهر» به معنی «پیمان» هست و مفهوم‌های زیر را نیز می‌تواند شامل شود: «معاهده، توافق، میثاق، اتحاد و وعده». معنی این واژه، اولین بار توسط بارتولمه^{۳۷} در قرن ۱۹ میلادی ارائه شده است. او میترا را به عنوان یک ایزد هندوایرانی بدوی در نظر گرفته است و رابطه‌ای بین این اسم و معنی آن ارائه می‌دهد (Bartholomae, 1904: 1183). میه این نظریه را مطرح می‌کند که این اسم با نور و روشنایی ارتباط دارد یا خورشید به عنوان بنیة اخلاقی در نظر گرفته می‌شود و این اسم ممکن است از یکی از خویشکاری‌های این ایزد مشتق شده باشد. میه نشان داده است که واژه «میترا» با شخصیت و خویشکاری‌های این ایزد سازگاری دارد؛ بنابراین میترا، تجسم شخصیت و جنبه الهی مفهوم «پیمان» است (Meillet, 1907: 146).

میه، ریشه هندواروپایی -mei* به معنی «مبادله کردن» را برای اسم Mitra ارائه می‌دهد (Meillet, 1907: 151)؛ اما گری، ریشه هندواروپایی -mē* به معنی «اندازه گرفتن» را برای این واژه پیشنهاد می‌دهد. وی تصور می‌کرده است

که میترا، نماینده خورشید است و روز را تقسیم و اندازه گیری می کند (Gray, 1929: 96).

دامنه معانی میترا بر اساس دو متن اوستایی مهر یشت و فصل ۴ وندیداد نشان داده شده است. میترا یک پیمانانه دارد و کسانی که این پیمانانه را رعایت نمی کنند، میترا آنها را تنبیه می کند (وندیداد، ۴: ۲). این ویژگی میترا با اسطوره هندی «پادشاهی که پیمان خود را برای پاداش دادن شخصی شکست و خویشاوندان پادشاه کشته شدند» (ریگ ودا: ۳۱، ۸.۷) با اسطوره اوستایی «یک نفر پیمانش را می شکند و از خویشاوندانش دور می افتد» (وندیداد، ۴: ۵) تطابق دارد (دالایکولا، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

آنچنان که از مطالب بندهای ۱۱۶-۱۱۷ مهر یشت (پوردادود، ۱۳۱۲: ۱۳۸) برمی آید، مفهوم «اتحاد» برای میترا مناسب تر از مفهوم «پیمان» به نظر می رسد. در مهر یشت، مفهوم «اتحاد» بیشتر رواج دارد و در وداها نیز، این معنی بیشتر به چشم می خورد. در متون متأخر سنسکریت، میترا به معنی «دوست» است و در فارسی نو «مهر» به معنی «عشق و دوستی» است (دهخدا، ۱۳۷۷: مدخل مهر) و این امر باعث شده است که بعضی از دانشمندان، نظر میه را رد کنند. هرتسفلد^{۲۸} بر این عقیده بوده است که اگر چه پذیرفتن مفهوم «پیمان و وعده» در متن های خاص قابل قبول است؛ اما او میترا را به عنوان یک «بنیان اخلاقی» که جامعه بر اساس آن بنا نهاده شده است، در نظر می گیرد و بندهای ۱۱۶-۱۱۷ مهر یشت، نظریه هرتسفلد را تأیید می کند (Herzfeld, 1947: 467)، اما مفهوم «پیمان و اتحاد» با بنیان اخلاقی جامعه ای که رفاه آن بستگی به آرامش و هماهنگی مردم دارد، مناسب تر از مفهوم «دوستی» است.

۲-۱-۱- میترا در اوستا

در اوستای گاهانی که سروده های زردشت است از او نام برده نمی شود (Insler, 1975:30)، گویا پرستش این ایزد جزو آن بخش از اندیشه های کهن ایرانی است که زردشت آن را کنار گذاشته و نکوهیده است و انجمن هایی که در آن ایزد مهر محوریت داشته، در برابر زردشتی گری قرار داشته اند (هینتس، ۱۳۸۷: ۷۵)؛ (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۵)؛ اما در اوستای نو، اهمیت کهن و پیش زردشتی خود

را باز می‌یابد و به اندازه هر مزد، شایسته ستایش است و فرهمندترین ایزدان خوانده می‌شود و یشت دهم اوستا به نام «مهر یشت» در توصیف و ستایش ایزد میترا است.

مهر، بیش از هر ایزدی با خورشید همراه است و پس از غروب خورشید، پاسدار و نگهبان آسمان شب است. در سراسر ادبیات زردشتی، پرسامدترین لقبی که برای او آمده، «دارای چراگاه‌های فراخ» است (دوستخواه، ۱۳۷۸: ۱۴۶) و جشن‌های مهرگان، که در روز شانزدهم ماه مهر بر گزار می‌شده و پس از نوروز، بزرگ‌ترین جشن ایرانیان پس از اسلام بوده و نیز، آیین شب چله (یلدا) با آیین‌های مربوط به مهر در ارتباط است (آموزگار، ۱۳۸۱: ۲۰).

مهر یشت اوستا با گفته‌های اهورامزدا شروع می‌شود. اهورامزدا، میترا را آفرید و او را شایسته پرستش و نیایش قرار داد (مهر یشت، بند ۱)؛ سپس گفت یک نفر که پیمان می‌شکند، تمام کشور را نابود می‌کند. پیمانی که بسته شده است، نباید شکسته شود؛ خواه با یک فرد دیندار این پیمان بسته شده باشد، خواه با یک فرد فریبکار؛ زیرا که پیمان با هر کسی بسته شود قابل احترام است. اگر بزرگ، ده، شهردار یا شهربان مهردروج باشند، میترا را خشمگین و آزرده، خانه، ده، شهر، کشور و بزرگان خاندان را نابود می‌کند (مهر یشت: بند ۸). پیمان بین دو کشور بیشتر به چشم می‌خورد. میترا به کسانی که این پیمان را رعایت می‌کنند، یاری می‌رساند و کسانی که این پیمان را می‌شکنند، تنبیه می‌کند (کرتیس، ۱۳۸۸: ۸۸). میترا به کسانی که به پیمان خود پای‌بند هستند، اسبان تندرو و فرزندان نیکو پاداش می‌دهد (مهر یشت: بند ۳). میترا، مهردروجان یا پیمان‌شکنان را با ستاندن نیروی بازوانشان، توان پاهای‌شان، بینایی چشم‌هایشان و شنوایی گوش‌هایشان مجازات می‌کند. کسانی که میترا را خشمگین می‌کنند، ابزارهای جنگی‌شان ناکارآمد و بی‌تأثیر خواهد بود (مهر یشت: بندهای ۳۹-۴۰). او جنگجویی است که بر گردونه سوار است و سلاح اصلی او گرز است (مهر یشت: بندهای ۹۶ و ۱۳۲). مجازات‌های خونین به وسیله ورثرغنه،^{۲۹} یار و یاور میترا انجام می‌شود. او در تجلی خود به عنوان گراز، مهردروج (دروغگو) را با یک ضربه می‌کشد (مهر یشت: بند ۷۲) و برای کسانی که به پیمان خود با میترا پای‌بندند، باران می‌باراند و

چراگاه‌هایی عطا می‌کند (مهر یشت: بند ۶۱). میترا برای کسانی که او را پرستش می‌کنند و در نماز او را نام می‌برند، گردونه‌های تندرو، زنانی برازنده، خانه‌هایی بزرگ، گاو و بردگان عطا می‌کند (مهر یشت: بندهای ۲۹-۳۱). میترا حتی به گدایی که دنبال آموزه حقیقت است؛ ولی از حقوق خود محروم است، کمک می‌کند و حتی گاوی را که به او ظلم شده، یاری می‌رساند (مهر یشت: بندهای ۸۴-۸۷). میترا همیشه بیدار است و هرگز خواب به چشمان او نمی‌آید (مهر یشت: بند ۷). با تنبلی و کاهلی دشمنی دارد (مهر یشت: بند ۹۷). او دارای هزار گوش و ده هزار چشم است و دیده‌بان‌هایی در بالای هر بلندی دارد (مهر یشت: بند ۴۵). میترا شخصی را که فکر می‌کند، میترا کردارهای زشت و فریبکارانه او را نمی‌بیند گرفتار می‌کند. او اولین ایزد در سراسر کوه البرز در مقابل خورشید است که از آنجا تمام سرزمین‌های آریایی را نظاره‌گر است (مهر یشت: بند ۳). هوم،^۳ میترا را در بلندترین نقطه کوه البرز پرستش کرد (مهر یشت: بند ۸۸). امشاسپندان،^۴ میترا را به عنوان سرور و دادگر تمام آفریدگان در نظر می‌گیرند (بند ۹۲). میترا، محافظ و نگهبان آفریدگان است (مهر یشت: بند ۱۰۳). او آرامش و پناهگاه‌های خوب عطا می‌کند (مهر یشت: بند ۴). او برای جلوگیری از درگیری بین همسایگان، مرزها را مشخص می‌کند (بند ۵۱). او دیوان را سر می‌کوبد و پریان را در تنگنا قرار می‌دهد (مهر یشت: بند ۲۶).

به نظر می‌رسد میترا همراه به قربانی‌های کوچک و بزرگ از گاوها، پرنده‌گان و ماکیان پرستیده می‌شده است. بنابر گفته گرشویچ، میترا همراه با حیوانات، مورد پرستش واقع می‌شده است (Gershwitsh, 1959: 271)؛ اما این گفته را زنر رد کرده است (Zaehner, 1962: 208).

بارزترین ویژگی میترا، دارندگی چراگاه فراخ است که نشان دهنده توجه او به شرایط صلح‌آمیز است. گله گاوها فقط هنگامی می‌توانند آزادانه در چراگاه بچرند که هیچ حمله‌ای از سوی همسایگان صورت نگیرد. در بندهای ۵۳-۵۵ مهر یشت، میترا به اهورامزدا شکایت می‌برد که اگر چه من پشتیبان همه آفریدگانم؛ اما مردمان بدان گونه که دیگر ایزدان را در نماز نام می‌برند و می‌ستایند، مرا در

نماز نام نمی‌برند و نمی‌ستایند. اگر مردمان مرا در نماز نام ببرند و بستایند، هر آئینه من با جان تابناک و جاودانه خویش به مردمان اشون^{۳۳} روی می‌آورم. ایزد سروش و رشن^{۳۳} در جنگ به میترا کمک می‌کنند (مهریشت: بند ۴۱). نریوسنگ، ایزد پیام‌آور ایزدان دیگر در جنگ با بدکاران، میترا را همراهی می‌کند (مهریشت: بند ۵۲). نریوسنگ در سمت راست میترا و رشن در سمت چپ میترا حرکت می‌کنند (مهریشت: بند ۱۰۰). ایزد اشی^{۳۴} گردونه میترا را هدایت می‌کند (مهریشت: بند ۶۸). ایزد آذر^{۳۵} نیز، میترا را همراهی می‌کند و کسانی را که به پیمان‌شان پای‌بندند به راه راست راهنمایی می‌کند (مهریشت: بند ۳). آتش فروزان که فره ایزدی است، در مقابل میترا حرکت می‌کند. احتمالاً به کسانی که به پیمان‌شان پای‌بند هستند، ثروت فراوانی می‌بخشد؛ همان‌گونه که خود میترا به پیروان خود ثروت و توانگری اعطا می‌کند (مهریشت: بند ۱۰۸).

۲-۱-۲- میترا در وداها

در ریگ ودا^{۳۶}، نام «میترا» همراه با نام «ورونه» (نام او در منابع ایرانی نیامده) و به صورت ترکیب «میترا-ورونه» آمده است. میترا-ورونه، که بر گردونه‌ای درخشان سوارند و در اقامت‌گاهی زرین، هزارستون و هزاردر سکونت دارند و فرمانروایان کیهان و همچنین پاسدار «رت»^{۳۷} یا نظم و اخلاق کیهانی هستند، از دانش بی‌کران بهره‌مند هستند و نظم را در جهان خدایان و آدمیان برقرار می‌کنند. در ریگ ودا تنها یک سرود به میترا اختصاص دارد. تیمه نشان داده است که این سرود ویژگی‌های اصلی این ایزد را بیان می‌کند (Thieme, 1957: 38). میترا و وروونه مردم را به صلح دعوت می‌کنند و از کشمکش باز می‌دارند. میترا از آسمان و زمین محافظت می‌کند و هر اقامتگاهی را بدون پلک زدن می‌بیند (ریگ ودا: ۱، ۵۹، ۳). هر کسی به پیمانش با میترا پای‌بند است از پاداش‌های او بهره‌مند می‌شود، هیچ نگرانی به او نمی‌رسد و کشته نمی‌شود (همان: ۲، ۵۹، ۳). (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۶۷). پرستندگان میترا از او شادی و سلامتی خواستارند (ریگ ودا: ۲، ۶۴، ۷). در مقابل او تعظیم کرده‌اند و برای گسترش صلح و دوستی بر روی زمین به لطف و خیرخواهی میترا به او نماز می‌برند (همان: ۳، ۵۹، ۳). میترا شایسته دوستی و ستایش است. او همانند یک پادشاه و یک رهبر حکومت

خوب به دنیا آمده است. او در ایزد آتش اگنی^{۳۸} متجلی می‌شود و ثواب میترا در او ریخته شده است (همان: ۴، ۵۹، ۳). میترا پشתיبان و نگهبان پناهگاه‌ها است. او با آوازه خود به اطراف زمین و آسمان می‌رود (همان: ۷، ۵۹، ۳). میترا پشתיبان ایزدان دیگر نیز هست (همان: ۸، ۵۹، ۳). میترا در میان انسان‌ها و ایزدان دیگر، باران را برای پرستندگانش آفریده است (همان: ۹، ۵۹، ۳).

برای تکمیل مطالب این سرود، مطالبی از سرودهای دیگر نیز آورده می‌شود:

اگنی هم‌پیمان یا واسط بین خدایان و انسان‌ها است (همان: ۴، ۸، ۱۰). اگنی به عنوان یک هم‌پیمان، شناخته شده است که زن و شوهرها را باهم متحد می‌کند (۹، ۳، ۵). اگنی هفت قدم برای حقیقت برداشته است و میترا را هم‌پیمان خویش قرار داده است (۴، ۸، ۱۰). در دوران کهن، هم‌پیمانان هفت قدم در مقابل آتش برمی‌داشتند (دالاییکولا، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و در مراسم‌های ازدواج امروزی هم، هم‌پیمانان هفت مرتبه دور آتش می‌گردند. اگنی با کمک میترا دو جهان را از هم جدا نگاه می‌دارد و تاریکی را با نور آبستن می‌کند (همان: ۳، ۸، ۶)؛ بنابراین بین میترا و اگنی رابطه‌ای نزدیک و دوستانه برقرار است. اگنی به هنگام تولد، گونه‌ای از ورونه است؛ ولی آنگاه که آتش شعله‌ور می‌شود گونه‌ای از میترا است (همان: ۴، ۵، ۳) (Lentz, 1964: 120). ایزد ساویتار^{۳۹} با اشعه‌های خورشید هم‌خانه می‌شود و شب را دربرمی‌گیرد و در این صورت او هم گونه‌ای از میترا است (همان: ۴، ۸۱، ۵).

۲-۱-۳- ویژگی‌های مشترک میترای ودایی و میترای اوستایی

سازگاری بی‌شماری در واژه‌هایی که در ارتباط با میترای ودایی و میترای اوستایی هستند، وجود دارد و این نشان دهنده این است که نه تنها اسم؛ بلکه بسیاری از ویژگی‌های آن از دوره هندوایرانی به جای مانده است.

۲-۱-۳-۱- ویژگی‌های فردی

۱- او همیشه بیدار و مراقب است، اوستا: *jagauruuah* (مهر یشت: بند ۷) ووداها: *jāguvās* (ریگ ودا: ۳: ۱۳۶، ۱).

۲- هرگز خواب به چشمان او نمی‌آید، اوستا: *axvafna* (مهر یشت: بند ۷) ووداها: *āsvapnaj* (ریگ ودا: ۱۲: ۳۴۴).

۳- اوستا: او را برای مهربانی و دستگیری می خوانند، *marždikā* (مهر یشت: بند ۳۸) و وداها: او مهربان و بخشنده است: *huvāmarždika* (ریگ ودا: ۱۰.۱۴۰.۱).

۴- میترا در عین مهربانی می تواند خشمگین هم شود، اوستا: *zarəmna* (مهر یشت: بند ۴۷) و وداها: *jujurāmā* (ریگ ودا: ۱۰.۱۲۹.۲).

۵- میترا خود دیده بان است و دیده بان هایی دارد، اوستا: *spas* (مهر یشت: بند ۴۶) و وداها: *spaś* (ریگ ودا: ۱۰. ۸۷. ۳).

۶- او فریب نمی خورد، اوستا: *aḍaoyəmna* (مهر یشت: بند ۲۵) و وداها: *ádabdha* (ریگ ودا: ۱.۲۴.۱۳).

۷- میترا زمین را می پیماید، به گوشه های آن سر می زند و هر چیزی که بین زمین و آسمان هست می سنجد. اوستا: *zəm.fraqā* (مهر یشت: بند ۹۵) و وداها: *sapráthas* (ریگ ودا: ۳. ۵۹.۷).

۲-۳-۱-۲- شایستگی های میترا

۱- میترا شایسته پرستش است، اوستا: *yesnya* (مهر یشت: بند ۵) و وداها: *yajñiyá* (ریگ ودا: ۹.۷۷.۵).

۲- ثروتمندان به میترا شخصیت بخشیده اند، اوستا: *raēvant* (مهر یشت: بند ۷۸) و وداها: *revánt* (ریگ ودا: ۸. ۸. ۴).

۳- مردمان به میترا نماز می برند، اوستا: *nəmah* (مهر یشت: بند ۶۲) و وداها: *namasyà* (ریگ ودا: ۳.۵۹. ۴).

۲-۳-۱-۲- پاداش های میترا به پیروانش

۱- او بندگان را از نگرانی نجات می دهد، اوستا: *ažah* (مهر یشت: بند ۲۳-۲۲) و وداها: *ázhās* (ریگ ودا: ۳.۵۹. ۲).

۲- میترا از کشوری محافظت می کند که استوارانه به پیمان هایش پای بند است، اوستا: *yātayeiti*، (مهر یشت: بند ۷۸) و وداها: *yātayati* (ریگ ودا: ۳.۵۹. ۱).

۲-۳-۱-۲- پادافره های میترا برای پیمان شکنان

۱- اقامتگاه پیمان‌شکنان را ویران می‌کند، اوستا: *frazinte*، (مهر یشت: بند ۳۸) و وداها: شخصی که به میترا متعهد است اقامتگاه او را ویران نمی‌کند، *ná jiyate*، (ریگ ودا: ۲: ۳.۵۹).

۲- میترا پیمان‌شکنان را تنبیه می‌کند، اوستا: *acaētar* (مهر یشت: بند ۲۶) و وداها: *cetár* (ریگ ودا: ۵: ۷.۶۰).

۲-۱-۴- تفاوت بین میترای ودایی و میترای اوستایی

تفاوت بین میترای ودایی و میترای اوستایی در این است که میترای ودایی فاقد ویژگی‌های رزمی است (Schmidt, 1978: 371). در وداها ویژگی‌های رزمی به ایندرا ی جنگجو تعلق دارد. از ایندرا خواسته شده از کسانی که بدون پیمان هستند یا پیمان میان میترا-ورونه را دروغ می‌پندارند و آنهایی که میانه‌ای با صلح و آرامش ندارند و میترا را نمی‌شناسند، انتقام بگیرد (جلالی نائینی، ۱۳۷۲: ۲۲۱). دوستی بین میترا و ورونه به خاطر صلحی است که برای استوار نگاه داشتن نظم جهانی است. ایندرا این صلح را با مبارزه و کوشش‌های رزمی خود با ماروت‌ها^{۴۱} به وجود آورده است (همان: ۱۹۶). ایجاد تمایز میان ویژگی‌های فردی و خویشکاری‌های این دو در اساطیر هند باستان، بسیار دشوار است؛ اما در مواردی هم میترا و هم ورونه سلاح‌های خود را به کار می‌گیرند. آنها از کمندها و پیکان‌های جادویی برای مجازات کردن متخلفان پیمان و حقیقت استفاده می‌کنند. سلاح‌های میترا و ایندرا هر دو جادویی هستند. میترا ایزدی مینوی و فوق‌طبیعی است و همچنین اسب‌ها و گردونه‌اش مینوی و فوق‌طبیعی هستند. میترای اوستایی همیشه با خدای پیروزی، ورثرغنه همراه است. او با خشونت تمام دشمنان را نابود می‌کند (Gershevitch, 1959: 132). از آنجا که ورثرغنه، همتای ایرانی ایندرا است؛ اما در اصل ورثرغنه (در سانسکریت: ورترهن^{۴۲}) صفتی برای ایندرا بوده است که به معنای «شکننده مقاومت» است و در اسطوره‌های ایرانی به ایزد مهمی در اوستا، ورثرغنه، در فارسی میانه ورهرام^{۴۳} و در فارسی نو، بهرام تبدیل می‌شود. او خدای جنگ است و تعبیری است از نیروی پیشتاز مقاومت‌ناپذیر پیروزی که به صورت‌های گوناگون تجسم می‌یابد و هر کدام از این صورت‌ها، نماینده هر یک از توانایی‌های او است (آموزگار، ۱۳۸۱: ۲۷)؛ بنابراین واضح و روشن است که

همراهی میترا با ایندرا، اصیل‌تر از همراهی او با ورثرغنه است. ورثرغنه ممکن است ویژگی‌های رزمی میترای اوستایی را ربوده باشد یا ایندرا ویژگی‌های رزمی میترای ودایی را ربوده باشند. تیمه و زنر معتقدند که ویژگی خشونت میترا باید از یک منشأ دیوی آمده باشد (Thieme, 1962: 115)، (Zaehner, 1957: 55). توصیف اوستا از میترا نسبت به توصیف وداها از او به اصل وفادارتر است؛ اگرچه در اوستا میترا پیوند نزدیکی با خورشید دارد؛ اما خورشید نیست؛ ولی در وداها، میترا این گونه نیست. هویت یکسان میترا با خورشید هم در اوستا و هم در وداها در زمان‌های بعد اتفاق می‌افتد. اشمیت با توجه به بندهای ۱۳ و ۸۵ مهر یشت، نتیجه گرفته است که میترا، ستاره صبحگاهی و ستاره شامگاهی است که با ناهید مطابقت می‌کند. و در وداها نیز میترا به عنوان ستاره صبحگاهی و شامگاهی ورونه تصور شده است (Schmidt, 1978: 352). اگرچه وداها میترا را با جزئیات بیشتری توصیف کرده‌اند؛ تفاوت اصلی توصیف میترا در اوستا در مقایسه با توصیف وداها از این ایزد در این است که وداها، میترا را به عنوان ایزدی که حامی نگهدارندگان پیمان است به تصویر می‌کشد؛ در حالی که اوستا خویشکاری پاداش‌بخشی میترا را با دادن نقش دادستان در برابر پیمان‌شکنان به او کاهش می‌دهد. این دو خویشکاری در تقابل باهمدیگر قرار نمی‌گیرد؛ بلکه از نظر منطقی کامل‌کننده همدیگر هستند.

۳- نتیجه‌گیری

میترا یکی از اسطوره‌های هندوایرانی است که جنبه‌های اسطوره‌ای و ویژگی‌های این ایزد در اوستا و وداها در این مقاله بیان شده است. این ایزد می‌تواند مفهوم‌هایی همانند: «معاهده، توافق، میثاق، اتحاد و وعده» را شامل شود. به طور عام، کاربرد معنای میترا «پیمان» است که در جهان باستان این پیمان بیشتر جنبه دینی داشته است. چنین معنایی هم در اوستا و هم در وداها آمده است و پیمان‌های گوناگونی همانند پیمان‌های خانوادگی، شهری، کشوری و بین کشوری را شامل می‌شود. در واقع ایزد میترا چیزی جز تشخیص الاهی مفهوم «پیمان» نیست و چنانکه از نام او پیداست، پیش از هر چیز، ایزد پشتیبان و

پاسدارنده پیمان است و در انجام این خویشکاری، ایزد جنگاور و دلیری است با جنگ ابزارهای بسیار، که راستگویان و پیمان شناسان را یاری می‌کند و مهردروجان (=دروغ‌گویان و پیمان‌شکنان) را در هم می‌شکند؛ اما آنچه‌آن که از مطالب بندهای ۱۱۶-۱۱۷ مهر یشت برمی‌آید، مفهوم «اتحاد» برای میترا مناسب‌تر از مفهوم «پیمان» به نظر می‌رسد. میترا ویژگی‌های مشترک زیادی در متون اوستایی و ودایی دارد؛ از جمله: میترا شایسته پرستش است، مردمان به میترا نماز می‌برند، او همیشه بیدار و مراقب است، پیمان‌شکنان را تنبیه می‌کند. و میترا هم می‌تواند مهربان باشد و هم خشمگین. بارزترین و پربسامدترین ویژگی که برای میترا در اوستا آمده، «دارای چراگاه‌های فراخ» است که نشان دهنده توجه او به شرایط صلح‌آمیز است. میترا در وداها در ایزد آتش اگنی متجلی می‌شود. تفاوت بین میترا و ودایی و میترا اوستایی در این است که میترا ودایی فاقد ویژگی‌های رزمی است. در وداها ویژگی‌های رزمی به ایندرا و جنگجو تعلق دارد. سلاح‌های میترا و ایندرا هر دو جادویی هستند. میترا ایزدی مینوی و فوق‌طبیعی است. میترا اوستایی همیشه با خدای پیروزی، ورثرغنه همراه است. در هر دو آئین، وی خداوندگار روشنایی، نور و آسمان است. از دیدگاه خویشکاری و ویژگی‌هایی که دارد، او را پشتیبان راستی و دشمن سرسخت دروغ و کج‌راهی معرفی کرده‌اند؛ با این همه در سروده‌های ودایی و آثار دیگر هندوان، اهمیت و جایگاهی را که در اوستا دارد از دست داده است و یادمان‌های او اندک است یا آنچه بوده به تدریج از بین رفته؛ اما بن‌مایه و هویت اصلی میترا در منابع سانسکریت محفوظ مانده است.

یادداشت‌ها

- ۱- Hittit
- ۲- Mitannien
- ۳- Mitra-Varuṣa
- ۴- (1868-1947) Franz Cumont
- ۵- (1866-1936) Paul Jules Antoine Meillet
- ۶- (1885-1968) Herman Lommel
- ۷- (1920-2006) Mary Boyce
- ۸- (1889- 1974) Henrik Samuel Nyberg
- ۹- فارسی باستان ahūra- در ترکیب ahūramazdāh- و اوستایی ahūra- و سانسکریت asura-

اهورا صفتی است برای برخی از ایزدان متعلق به دوره هند و ایرانی. در ریگ ودا برخی از اسوراها (همان اهوراها) به عنوان ایزدان جوان معرفی شدند و برخی دیگر در جهان زیرین باقی ماندند (Kuiper, 2011: 683).

- ۱۰- Helmut Humbach (1931)
- ۱۱- Ilya Gershevitch (1914- 2001)
- ۱۲- Gherardo Gnoli (1937-2012)
- ۱۳- Jacques Duchesne-Guillemin (1910-2012)
- ۱۴- Jan Gonda (1905-1991)
- ۱۵- از اساطیر هند و ایرانی است که در اوستا: به عنوان *Apam Napāt* فرزند آبها و در سانسکریت: *Apām Napāt* خدای آبها از او نام برده شده است. در آئین زرتشتی او یکی از سه ایزدی است که دارای لقب اهورا است. معنای این واژه هم در اوستا و هم در سانسکریت «نوه آبها است» (Boyce, 1986: 148).
- ۱۶- 1- در آئین هندو، پسران آدیتی (مادر خدایان) هستند که شمار آنها ۱۲ تا است و میترا و ورونه هم جزء آنها به شمار می آیند. واژه *Āditya* به معنای «پسر خدا» است (Flood, 1996: 147).
- ۱۷- Jean Kellens (1944)
- ۱۸- اوستا: *daēnā*, فارسی میانه: *dēn* و فارسی نو: دین. یک اصطلاح دینی و متافیزیکی که دارای معنای گوناگونی است. در اوستای گاهانی به معنای بینش و وجدان است (Insler, 1975: 69) و در فارسی میانه *dēn* به عنوان «خیم» و «خوی» تعریف شده است (Shaked, 1979: 499).
- ۱۹- Robert Charles Zaehner (1913-1974)
- ۲۰- Wolfgang Lentz (1900-1986)
- ۲۱- Reinhold Merkelbach (1918-2006)
- ۲۲- Paul Thieme (1905-2001)
- ۲۳- Maarten Jozef Vermaseren (1918-1985)
- ۲۴- Hans-Peter Schmidt (1941)
- ۲۵- David Ulansey (1957)
- ۲۶- Roger Beck (1983)
- ۲۷- Friedrich Christian Leonhard Bartholomae (1855-1925)
- ۲۸- Ernst Herzfeld (1879- 1948)
- ۲۹- *Vərəθraγna-*
- ۳۰- در سانسکریت: *sauma*, اوستا: *haoma*, فارسی میانه: *hōm* و فارسی نو: هوم. گاه برای اشاره به گیاهی خاص، عصاره و شیره گیاه، گاه برای اشاره به ایزدی و در اوستا گاهی هم برای اشاره به روحانی خاصی به کار می رود (Boyce & Grenet, 1991, Vol I: 106).
- ۳۱- اوستا: *am̐ša.sp̐nta-*, فارسی میانه: *amešāspand* و *amahraspand* به معنای «جاودانان مقدس». امشاسپندان جلوه های اورمزد هستند که در اصل تعداد آنها شش است، اما برخی با به شمار آوردن ایزد سروش، سپند مینو و خود اورمزد شمار آنها را به هفت می رسانند. امشاسپندان عبارتند از: بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسپندارمذ، خرداد و مرداد (Herzfeld, 1949: 95).
- ۳۲- در اوستا اشون *ašavan-* هم ریشه با *tāvan-* سانسکریت است و برابر آن در زند *ahlaw* آمده است. بارتلمه برای اشون سه معنا آورده است: ۱- پیرو اشته و نیکوکار (در گاهان بیشتر در برابر *drəgvant* پیرو دروغ) می آید، ۲- مقدس و ۳- بهشتی (Bartholomae, 1904: 112).
- ۳۳- اوستا: *rašnu-*, فارسی میانه: *rašn* از ریشه *raš-* به معنای «هدایت کردن» در مسیر مستقیم حرکت کردن. ایزد عدالت آئین ایران باستان است که در سر پل چینود (*čīnwat*) که روان درگذشتگان به داوری کشیده می شود جزء هیأت داوران است (آموزگار، ۱۳۸۱: ۲۹).
- ۳۴- اوستا: *ašī-*, فارسی میانه: *ašī*, از ریشه ایرانی باستان: **ar-* به معنای «حرکت کردن» و پسوند اسم مونث- ساز **ti-*. ایزد بانویی است که نماد توانگری و بخشش است (همو: ۳۰). (هینلز، ۱۳۷۵/۱۹۷۰: ۵۱).

- ۳۵ - اوستا: -ātar, فارسی میانه: ādur, ایزد آتش (Bartholomae)
۳۶ - gveda □ کهن ترین سرودهای دینی هندیان (جلالی نائینی, ۱۳۷۲: ۷۴).
۳۷ - سانسکریت: -ṛta, اوستا: -aša, به معنای «نظم جهانی» (Bartholomae, 1903: 1841).
۳۸ - Agni
۳۹ - Savitar
۴۰ - 1- در ریگ ودا, ماروت‌ها خدای طوفان هستند و فرزندان رودره (Rudra) و پریشنی (Prisni) هستند شمار آنها از ۲۷-۶۰ در نوسان است. آنها خیلی خشن و تهاجمی توصیف شده‌اند و مجهز به سلاح-های طلایی هستند (ریگ ودا: ۸.۹۶.۸).
۴۱ - v□trahán
۴۲ - warahrām

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

۱. آموزگار. ژاله. (۱۳۸۱)، **تاریخ اساطیری ایران**، تهران: انتشارات سمت.
۲. الیاده. میرچه. (۱۳۹۰)، **اسطوره، بازگشت جاودانه، سرکاراتی**. بهمن (مترجم)، تهران: انتشارات طهوری.
۳. پور داوود. ابراهیم. (۱۳۱۲)، **یشت‌ها، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی**.
۴. جلالی نائینی. محمد رضا، (۱۳۷۲)، **ریگ ودا، تهران: انتشارات نقره**.
۵. دالاپیکولا. آنالیبرا، (۱۳۹۰)، **اسطوره‌های هندی**، مترجم: مخبر. عباس، تهران: نشر مرکز.
۶. دوستخواه. جلیل، (۱۳۸۸)، **اوستا، کهن ترین سرودهای ایرانیان**، تهران: انتشارات مروارید.
۷. دوشن گیمین. ژاک، (۱۳۸۶)، **دین مهری**، ترجمه احمد آجودانی. تهران: ثالث.
۸. دهخدا. علی اکبر، (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. عالیخانی. بابک، (۱۳۸۴)، **مهر در ایران و هند باستان**، تهران: نشر ققنوس.
۱۰. کرتیس. وستا، (۱۳۸۸) **اسطوره‌های ایرانی**، مترجم: مخبر. عباس، تهران: نشر مرکز.
۱۱. کومون. فرانتس، (۱۳۷۹)، **آئین پر رمز و راز میتراپی**، تهران: انتشارات بهجت.
۱۲. مقدم، محمد، (۱۳۵۷) **جستار درباره مهر و ناهید**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتب.
۱۳. ورمازرن، مارتن، (۱۳۸۰)، **آیین میترا**، ترجمه بزرگ نادر زاد، تهران: نشر چشمه.

۱۴. نیبرگ، هنریک. ساموئل، (۱۳۵۹)، **دین های ایران باستان**، ترجمه نجم آبادی، سیف الدین.. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
۱۵. هینلز. جان. راسل، (۱۳۷۵)، **شناخت اساطیر ایران**، ترجمه: آموزگار. ژاله، تفضلی. احمد، تهران: انتشارات چشمه، انتشارات آویشن.

ب- منابع خارجی

1. Bartholomae. Christian (1904), *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.
2. Beck. Roger, (2006), *The religion of the Mithras cult in the Roman Empire*, Oxford University press.
3. Boyce. Mary and Grenet. Franz, (1991), *A History of Zoroastrianism III*, Leiden.
4. Boyce. Mary, (1969), "On Mithra's part in Zoroastrianism," *BSOAS* 32, pp. 10-34.
5. -----, (1975), "Mithra, Lord of Fire," in *Monumentum H.S. Nyberg I*, Acta Iranica 4, Leiden, pp. 69-76.
6. -----, (1981), "Varuna the Baga," in *Monumentum Georg Morgenstierne I*, Acta Iranica 21, Leiden, pp. 59-73.
7. -----, (2001), "Mithra the King and Varuna the Master," in M. G. Schmidt and W. Bisang, eds., *Philologica et Linguistica, Festschrift für H. Humbach*, Trier, pp. 239-57.
8. -----, (1990), "Mithra Khšathrapati and His Brother Ahura," *BAI [Bulletin of the Asia Institute]*, N.S. 4, pp. 3-9.
9. -----, (1986), APAM NAPĀT, *Encyclopædia Iranica*, Vol. II, Fasc. 2, pp. 148-150.
10. Cumont. Franz, (1903) *Mysteries of Mithra*, Aalst, Belgium.
11. Duchesne-Guillemin. Jacques, (1978), *études Mithriaques*, Leiden: Brill.
12. Gershevitch. Ilya, (1959), *The Avestan Hymn to Mithra*, Cambridge.
13. Flood, Gavin. (1996), *An Introduction to Hinduism*, Cambridge University Press.
14. Gnoli. Gherardo, (1979), "Sol Persice Mithra," in U. Bianchi, ed., *Mysteria Mithrae*, Leiden, pp. 725-740.
15. -----, "Mitra and Mitra, the Idea of 'Friendship' in Ancient India," *Indologica Taurinensia* 1, 1973, pp. 71-107.

16. Gonda. Jan, (1972) *The Vedic God Mitra*, Leiden.
17. Gray. Louis. Harold, (1929), *The Foundations of the Iranian Religions*, Bombay.
18. Herzfeld. Ernst, (1949), *Zoroaster and his World II*, Princeton.
19. . Insler. Stanley, (1975), the Gathas of Zarathustra, *Acta Iranica* 8, Leiden.
20. Kellens. Jean, (1978), "Caractères différentielles du Mihr Yašt," in *Études Mithriaques*, *Acta Iranica* 17, Leiden, 8, pp. 261-70.
21. -----, (1979), "Les bras de Miθra," In U. Bianchi , ed., *Misteria Mithrae*. Leiden, pp. 703-16.
22. -----, (1994), "La fonction aurorale de Miθra et de la Daēnā," in J. R. Hinnells, ed., *Studies in Mithraism*. Rome, pp. 165-71.
23. Kuiper. Franciscus Bernardus Jacobus , (2011), *AHURA*, *Encyclopædia Iranica*, Vol. I, Fasc. 7, pp. 683-684.
24. Lentz. Wolfgang , (1964), "Mithras Verfügung über die Herschegewalt (Yasht 10. 109 und 111)," in *Indo-Iranica. Mélanges Georg Morgenstierne*, Wiesbaden, pp. 108-23.
25. -----, (1970), "The 'Social Functions' of the Old Iranian Mithra," in *W.B. Henning Memorial Volume*. London, pp. 245-55.
26. Lommel. Herman, (1927), *Die Yāšt's des Avesta*. Göttingen.
27. -----, (1944-49) "Mithra und das Stieropfer," *Paideuma* 3, pp. 207-18.
28. Mallory. James. Patric, Adams. Quentin. Douglas, the Oxford introduction to Proto-Indo-European and the Proto-Indo-European world, London: Oxford University Press. 2008.
29. Meillet. Antoine, (1907), "Le dieu Indo-Iranien Mitra," *JA sér.* 10, pp. 143-59.
30. Merkelbach. Reinhold, (1984), *Mithras*. Königstein im Taunus.
31. Schmidt. Hans. Peter, (1978), "Indo-Iranian Mitra Studies: The State of the Central Problem," in *Études Mithriaques*, *Acta Iranica* 17, Leiden, pp. 345-93.
32. -----, (2006), "Mithra i: Mithra in Old Indian and Mithra in Old Iranian", *Encyclopaedia Iranica*, New York: iranica.com

33. Shaked. Shaul, (1979), *The Wisdom of the Sasanian Sages (Dēnkard VI) by Aturpāt-i Ēmētān*, Persian Heritage Series 34, Boulder, Colo.
34. Thieme. Paul, (1957), *Mitra and Aryaman*, Transactions of the Connecticut Academy of Arts and Sciences 41, New Haven.
35. -----, (1960), "Remarks on the Avestan Hymn to Mithra," *BSOAS* 23, pp. 265-74.
36. -----, (1975), "The concept of Mitra in Aryan belief," in J. R. Hinnells, ed., *Mithraic Studies*, Manchester, pp. 21-39.
37. -----, (1978), "Mithra in the Avesta," *Études Mithriaques (Acta Iranica 17)*, Leiden, pp. 501-510.
38. Ulansey. David, (1991), *The Origins of the Mithraic Mysteries: Cosmology and Salvation in the Ancient World*, London: Oxford University Press.
39. Vermaseren. Maarten Jozef, (1977), *Mithras, the Secret God*. London, 1963. J. C. Wright, review of Boyce, 1975, *BSOAS* 40, pp. 632-23.
40. Zaehner. Robert. Charles, (1962), *The Comparison of Religions*, Boston: Beacon Press.